

آفتاب دانشگاه
محافظ یا فاصله انداز
<div style="display: flex; align-items: center;">  <div style="margin-left: 5px;"> <p>امیر حسین ذاکری</p> <p>روزنامه‌نگار</p> </div> </div>

واقعا گاهی وقتی حلقه های محافظین دور مسئولین را آنها را می بینم شگفت زده می شوم. غایت و هدف محافظت از مسئولین چیست؟ محافظت از خادمنیم ملت؟ خوب زبونم لال اگر فلان مسئول خادم نبود چه ؟ مسئول سرع دارم دریک سفر استانی اش کاروانی بیشتراز کاروان های ماشین عروس در جاده راه انداختند که تا کیلومترها جاده غرق آقای مسئول و ملازمان ایشان بوده . شاهان قجری هم اینقدر ملازمان در راکب در سفرها نداشتند. در سفر یکی از مسئولین فکر کنم پسر عمه‌هایش هم در ماموریت همراه وی بودند. در حالی که بنده پشترها پیشنهاده دادم به جای این همه هزینه محافظ و همراه و هزینه سفر، مسئولین یک نماینده معتمد برای سر کشی به پروژه‌ها بفرستند. نماینده ناشناس محافظ نمی خواهد. حتی می‌تواند مسافرخانه بخواید نه هتل چند ستاره! واقعا دلیل این همه هزینه و محافظ چیست؟ حتی در شایعه ای شنیدم مجموع مشاورین برخی وزرا و مسئولین بیش از چهل نفرند که شاید به ”چهل ستون“ معروف شوند، اما دلیل این هزینه‌ها چیست؟ شاید دلیلش اشتغالیابی است. اما چرا محافظان اینان را در حلقه خود و از مردم دور نگه می‌دارند؟مردم هم از حلقه دور اینها ناراحت می‌شوند همان‌طور که از حلقه دور روحانی هم ناراحتند. آیا این حلقه‌ها محافظ اند یا فاصله انداز بین مسئولین و مردم؟ یک عضو کمیسیون عمران مجلس هم گفته: «در کشورهای توسعه یافته در ظاهر محافظین هم صورتی که در کشور ما به دور مسئولین حلقه می‌زنند، دیده نمی‌شوند.» بنده نیز عرض می‌کنم انوقت اینجا نمی‌شود به محافظین و حلقه دور مسئولین هم نزدیک شد چه رسد به حضرت والا. شاید ما هنوز غیر پیشرفته‌ایم مسئولین این همه محافظ دارند. دوستی که با او تله پاتی دارم تماس گرفت و گفت : بین خودمون باشه مسئولی به سفر استانی آمده بود از بین جمعیت به طرفش رفتم محافظینش مانع شدند، گفتم چنتونه؟ نمی‌خوام بخورشم. چند تا حرفه دارم اما محافظین نداشتند و من را به عقب هل دادند. من هم شاکمی شدم از درد. این همه جمعیت داد زدم، آهای تخفای نیستی ایران همه محافظ داری سریع با گذاشته‌م به فرار . جمعیت از خنده تریک‌زد رانستی همان نماینده گفته : برخی مسئولین فقر و مشکلات مردم را حس نمی‌کنند این خیلی زور داره این همه محافظ و هزینه و درآمد دارند اما از حال تمل خبر ندارند. کاشکی آقدر اندا و اطوار نداشتند! خندید و گوشی را قطع کرد.

- آذان ظهر ۱۲:۱۲
- آذان مغرب ۱۷:۲۹
- آذان صبح فردا ۵:۴۶
- طلوع آفتاب فردا ۷:۱۴

امام علی (ع): مغرور شدن به دنیای زودگذر، حماقت است.

داداشتهای سنگنکو - قسمت هفتاد و هفتم

عاشقانه‌ای برای بچه‌های تیم ملی، ملیجان و سایر برویج‌...!



محمد جوان: من تا پیش از حضور در نهاد ریاست جمهوری تصور می‌کردم مسائل حاشیه‌ای در این سرزمین فقط مختص به گروه و دسته مرموز است و براین باور بودم مارموزه‌ها هستند و رفقای ما سر کار بیابند دنیا به کام ما و جهان گلستان می‌شود، اما حالا صادقانه اعتراف می‌کنم اشتباه کردم...! این جا که آدم دیدم دو گروه تفاوت چندانی با هم ندارند. اگر تا دیروز اسفندیار و مسعود و حمید برای دوام و قوام دولت محمود و دارودستش می‌جنگیدند و سایرین را لت و پار می‌کردند. امروز میم و ممل، محمود و حسام و یکی دونفر نقش حواریون عیسوی «رئیس دولت» را ایفا می‌کنند و هنرمندانه غیر خودی‌ها را از او دور می‌کنند و دور شو و کور شو به راه انداخته‌اند. لذا تصمیم گرفتم تا کار به جای پار یک نکشیده و مردم بیشتر از این از ما مایوس و دلسرد نشده‌اند از کابینه کنار بکشیم و عطای سنگنکوئی را به تقاضای بیخشم‌بنابر این روزگذشته چهارگوشه اناقم در مهمانسرای ریاست جمهوری را بوسیدیم، سیمکارت‌هایم را شکستم، تغییر چهره دادم و به‌طور پنهانی از درب مخفی کام خارج شدم و در تهران یزرگ خودم را کم و گور کردم. قبل از خروج نامه‌ای برای آقای روحانی نوشتم و از اتدوه مردم دل‌خسته و کابینه بدون ژنرالش انتقاد کردم و با زبان بی‌زبانی به او اندرز دادم که مراقب میم و ممل باشد که همانند «اسفندیار رحیم مشا» چادو و افسونش نکنند. تاکید کردم برخی از رفقای بالاتین‌شطب با رؤیای رسیدن به تولید ملی به خواب می‌روند غافل از اینکه تا صبح خواب «پیکان جوانان» را می‌بینند. فارغ از این که خودروی ملی ما مثل ملیچه خانم دختر همسایه ما درون چشمان شهلاش لنز رنگی تعبیه، کرده. هم از باب توضیحات بیشتر می‌دادم اما بعد با قلم قرمز روی آن خط کشیدیم - در پایان دلسوزانه تذکر دادم مراقب برخی فشارهای اقتصادی که

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آفتاب

نشانی الکترونیکی روزنامه: aftab.yz@gmail.com
سامانه بانمک آفتاب زد: ۰۲۰۰۱۴۱۴۲۷

عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی - تعاونی مطبوعات - انجمن مدبران رسانه

توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

دانشگاه

محافظ یا فاصله انداز

امیر حسین ذاکری
روزنامه‌نگار

واقعا گاهی وقتی حلقه های محافظین دور مسئولین را آنها را می بینم شگفت زده می شوم. غایت و هدف محافظت از مسئولین چیست؟ محافظت از خادمنیم ملت؟ خوب زبونم لال اگر فلان مسئول خادم نبود چه ؟ مسئول سرع دارم دریک سفر استانی اش کاروانی بیشتراز کاروان های ماشین عروس در جاده راه انداختند که تا کیلومترها جاده غرق آقای مسئول و ملازمان ایشان بوده . شاهان قجری هم اینقدر ملازمان در راکب در سفرها نداشتند. در سفر یکی از مسئولین فکر کنم پسر عمه‌هایش هم در ماموریت همراه وی بودند. در حالی که بنده پشترها پیشنهاده دادم به جای این همه هزینه محافظ و همراه و هزینه سفر، مسئولین یک نماینده معتمد برای سر کشی به پروژه‌ها بفرستند. نماینده ناشناس محافظ نمی خواهد. حتی می‌تواند مسافرخانه بخواید نه هتل چند ستاره! واقعا دلیل این همه هزینه و محافظ چیست؟ حتی در شایعه ای شنیدم مجموع مشاورین برخی وزرا و مسئولین بیش از چهل نفرند که شاید به ”چهل ستون“ معروف شوند، اما دلیل این هزینه‌ها چیست؟ شاید دلیلش اشتغالیابی است. اما چرا محافظان اینان را در حلقه خود و از مردم دور نگه می‌دارند؟مردم هم از حلقه دور اینها ناراحت می‌شوند همان‌طور که از حلقه دور روحانی هم ناراحتند. آیا این حلقه‌ها محافظ اند یا فاصله انداز بین مسئولین و مردم؟ یک عضو کمیسیون عمران مجلس هم گفته: «در کشورهای توسعه یافته در ظاهر محافظین هم صورتی که در کشور ما به دور مسئولین حلقه می‌زنند، دیده نمی‌شوند.» بنده نیز عرض می‌کنم انوقت اینجا نمی‌شود به محافظین و حلقه دور مسئولین هم نزدیک شد چه رسد به حضرت والا. شاید ما هنوز غیر پیشرفته‌ایم مسئولین این همه محافظ دارند. دوستی که با او تله پاتی دارم تماس گرفت و گفت : بین خودمون باشه مسئولی به سفر استانی آمده بود از بین جمعیت به طرفش رفتم محافظینش مانع شدند، گفتم چنتونه؟ نمی‌خوام بخورشم. چند تا حرفه دارم اما محافظین نداشتند و من را به عقب هل دادند. من هم شاکمی شدم از درد. این همه جمعیت داد زدم، آهای تخفای نیستی ایران همه محافظ داری سریع با گذاشته‌م به فرار . جمعیت از خنده تریک‌زد رانستی همان نماینده گفته : برخی مسئولین فقر و مشکلات مردم را حس نمی‌کنند این خیلی زور داره این همه محافظ و هزینه و درآمد دارند اما از حال تمل خبر ندارند. کاشکی آقدر اندا و اطوار نداشتند! خندید و گوشی را قطع کرد.

آفتاب دانشگاه
روزنامه یا فاصله انداز
<div style="display: flex; align-items: center;">  <div style="margin-left: 5px;"> <p>امیر حسین ذاکری</p> <p>روزنامه‌نگار</p> </div> </div>

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۷ | 10Jan 2019 | ۲ جمادی الاول ۱۴۴۰ | **اسال ۲۱ شماره ۵۳۶۷**

آفتاب فلش یک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هرروز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبر هاشمی رفسنجانی** از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی‌هاشمی. همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی است. سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به‌عنوان یکی از رفنفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام‌ساخته‌می‌شود.

بر خوردهای عصبی در مجلس

دوشنبه ۲۳ اسفند سال ۱۳۶۱

به جلسه علنی رفتم، بحث در تصره‌های بودجه است. کار به کندی پیش می‌رود. چند نفر مخالف بودجه‌اند و با پیشنهادات بهبوده، سعی در کاستن از بودجه دارند. ولی اکثریت همراه است. در تنفس برای ماشاچسانی که از کمته انقلاب و سیاسی-ایدئولوژیک ارتش و روحانیون غرب تهران بودند صحبت کردم و گزارش آنها را شنیدم. سپس به دفتر آدمم، خسته بوم. برخوردهای عصبی در مجلس خسته ترم کرده بود. تا بعدازظهر کسی را نپذیرفتم؛ استراحت کردم و مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای اداری. ساعت سه بعدازظهر جلسه علنی شروع شد. تا ساعت پنج در جلسه ماندم و سپس به آقای محمد یزدی سپردم و به دفترم آمدم.

با سفیر نروژ ملاقات داشتم، مطلبی نداشت. فکرم می‌کنم جنبه اطلاعاتی داشت و می‌خواست موضوع ما را درباره جنگ بداند. به سوالات او جواب مناسب دادم و وی خواسته‌های اعلام شده تاکید کردم. سوس مجبر سفیر لبیبی هم به ملاقات آمد. از طرف رئیس لجنه‌های شعبی دعوتی برای من آورده بود که ایام عید به لبیبی بروم و از تأثیر منفی سخنان آقای عبدالسلام جلود در هند درباره نفی امامت و روحانیت در اسلام نگرانی داشت. می‌خواست تکذیب کند و پیشنهاد می‌کرد که ملاقات امام با آقای قذافی قطعی شود تا ایشان به ایران بیایند. مایل بود که رئیس‌جمهور است نه رئیس‌جمهور. از دفتر مشاورت ارتش آمدند و از نقل و انتقالات وسیع در نیروی زمینی نگران بودند. شب، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. فرماندهان نظامی از اوضاع جنبه و علل ناکامی عملیات انفجر را گفتند، مواضع دفاعی دشمن محکم، تسلیحات قرار شد طرح نهایی را تا چند روز دیگر آماده کنند و ارائه دهند. مصاحبه با صدا و سیما کردم. آقای دکتر ولایتی از نامه انتقادی که به تشریفات امور خارجه نوشته و انتقاد کرده بومم، ناراحت و گل‌مدم بود.

سه شنبه ۲۴ اسفند

بعد از نماز و نوشتن دو روز خاطرات به مجلس رفتم. جلسه علنی را آقای یزدی اداره می‌کرد. در دفترم مع آقای محمدرضا مهدوی کنی ملاقات داشتم. امام ایشان را خواسته‌اند و از اختلالات روحانیون بر سر مسائل اقتصادی اظهار نگرانی کرده‌اند. ایشان را مامور نموده‌ام که دو طرف را در جلسه‌ای جمع و رفع اختلاف نمایند. قرار شد شب جمعه در دفتر رئیس‌جمهور جلسه داشته باشیم.

بعد از تنفس، جلسه علنی را اداره کردم. پیشرفت کار در تصره‌های بودجه کند است. تصره منع استخدام جدید را که کمیسیون گنجبنده شده است، اصلاح کردیم. اگر می‌ماند افراد صالح را نمی‌توانستیم به ادارات وارد کنیم. ظهر برای اعضای ستادهای تقسیم زمین و جمعی از کادرها و خدمتگزاران در نماز جمعه تهران صحبت کردم.^۱

آقای کاظمی اکر می‌همدانی آمد و راجع به پذیرفتن معاونت آموزش آقای علی اکبر پرویز شمشورت کرد. ساعت سه بعدازظهر مجددا جلسه مجلس داشتیم، تا ساعت شش. بعدازنماز مغرب دکتر ولایتی گزارش مرسوم از فعل و انفعالات کنفرانس غیر منعده‌ها داد. تصمیم اوپک برای کم کردن پنبج دلار از قیمت هر بشکه نفت را مطرح کردیم. خیلی کار بدی است. ضربه بزرگی بر کشورهای نفت خیز وارد کرده. قرار شد تلاش کنیم اگر ممکن است جلوان آن را بگیریم. شب به منزل آمدم. آقای محمد غرضی از لندن تلفن کرد. به ایشان این نظر را گفتم. دکتر محمدعلی‌هادی نجف‌آبادی که در حاشیه کنفرانس اوپک با وزیر امور خارجه سعودی مذاکراتی داشته، قرار است ایام عید به عربستان برای عمره برود و ممکن است در این خصوص اقدام نماید. احمد آقا هم تلفنی مطالبی گفت.

پی‌نوشت:

۱- در این سخنرانی که گروهی از اهالی شهرستان ارومیه و هیئت واگذاری زمین و کارکنان ستاد نماز جمعه تهران حضور داشتند درباره گستره میدان سازندگی در ایران، اجرای حتمی عدالت در کشور و نقش احکام فقهی در اجرای عدالت می‌باحثی مطرح گردید.

آفتاب نقدفرهنگی

"عمار" در جامی زند!

جبارآئین منتقد

دوره‌می سینمایی عمار که با عنوان «جشنواره مردمی فیلم عمار» در حال برگزاری نهمین دوره خود است، هنوز و همچنان درجا می‌زند و به رغم تذکرات و پیشنهادها و ارکهارهایی برای بزرگ و شدن وتکامل ندارد و دوست دارد، کوچک بماند، درجا بزند و باری به هر جهت بر گزار شود، بدون آنکه دعرسه هنر و سینما تأثیرگذار و جریان ساز باشد. این محفل از منظر برگزاری یک جشنواره استاندارد سینمایی، با معیارها و مولفه‌های آن، فاصله‌ها دارد؛ هنوز هم در محدوده یک محفل گروهی، مانده است و بدون برداشتن گام‌های اصولی و اساسی برای مرگ‌های شدن، صرفاً عنوان آن را یدک می‌کشد و در فضای ساختار، اجرا و تشرش تخصصی‌ گزینش آثار به نمایش درآمده در آن، نساوری و خلایق دیده نمی‌شود. آیا عمار امکانات و هزینه و تسهیلات و شرایط رشد را در اختیار ندارد. آیا مورد حمایت ارگان‌ها و جریان‌های ارزشی سینما نیست. چرا با آنکه ظرفیت قوی و غنی و بزرگ شدن ارادار، در

آفتاب نکته‌چی

خاک بر سرم گفتم به جای شرم باد!

اخیرا یکی از اساتید به خاطر گفتن مطالبی همچو" شرم بر بعضی‌ها شرم بر این مجلس" در برنامه ای تلویزیون ممنوع تصویر شد. هر چند ممنوع تصویری در رسانه ملی امر حیرت‌زایی نیست اما این انتقاد به آن بزرگوار وارد است که ایشان نباید عبارت "شرم بر این مجلس" را بیان می‌کردند. اتفاقا من نکته‌چی آن شب مشغول دیدن همان برنامه بومم که در آن جناب استاد قیامت عین دلار رها شده می‌تاختند. خیلی احساساتی شدم چون بعد سر به قیام علیه مجلس گذاشته بودند. مجلس را به توپ بستند. اما

آفتاب سایه‌روشن‌های جام

بوف تنها پشت دیوار خط خطی!

امیدماهی روزنامه‌نگار

سکوت سرشار از ناگفته‌هاست.اگر سینیور و پروفیسور این جمله را از سر کنند دیگر اُتیر فرمز به گوش‌ها نخواهد رسید و زیر آواز خط‌ها با محسوس نخواهیم شد. درست در روزهای که ملی باید از هفت خوان جام رد شود و خواب‌های پرکلبوس را به ملالات نپذیرد،کی‌روش و ایوانکویچ از راه دور رجزخوانسی می‌کنند و برای پوست‌های گاز انبری و مه آلود کردن هوا، بهانه به دست می‌دهند.کاش لاقال برای چند روز هم که شده حضرات دندان روی جگر بگذارند و اندک سرخوشی را ملت دروغ نیکند. برای جنگینجین فرصت هست. اجازه دهید پشت پنجره‌های دق و دیوارهای خط خطی کمی نفس بکشیم و تیتراهی سایه‌ساز از راه میهمان چشم‌خانه‌هایمان نکتیم.این بوف تنها می‌خواهد ببرد. البته اگر پشت چشم‌نازک نکتند!

گلادیاتورها کنار نیمکت‌های دوزخی!

باکمی‌فاصله‌از مرتع‌سبزی‌می‌تون‌فرمندانهای‌راه‌نظاره‌نشست‌که‌هر‌یک‌با‌وسعت‌فریادهایشان‌می‌توانند‌گوش‌فساره‌را‌گر‌کنند.رهبرانی‌که‌روزگاری‌کنار‌پررزق‌و‌برق‌ترین‌نیمکت‌های‌فرنگی‌روایهایشان‌را‌جستجو‌می‌کردند،‌حالا‌در‌خاک‌امارات‌به‌خاطر‌یک‌گل‌آرنالین‌خوشن‌بالا‌و‌پایین‌می‌روددپیروز‌هکتور‌کوپر‌کبیر‌که‌با‌فرعنه‌به‌جام‌چپان‌نمارسید‌روی‌نیمکت‌ازین‌کا‌چشم‌ها‌را‌خیره‌کرد‌تا‌معلوم‌شود‌دیگر‌توپچی‌های‌آسیای‌میانه‌سوخ‌را‌نقد‌نیر‌خوشن‌نمی‌دانند.‌آن‌سوت‌روی‌نیمکت‌سرخ‌های‌عمان‌بیم‌فریبک‌هلندی‌پیچ‌و‌مهره‌شده‌بوده‌مو‌که‌روزگاری‌با‌مونهاش‌گلادباخ‌بوندس‌لیگا‌را‌هم‌اواز‌پرسندگان‌خود‌می‌کرد.‌آنجا‌در‌اواظی،‌و‌ال‌عین‌شارجه‌و‌دینی‌دیگر‌از‌مربیان‌بومی‌بیمناک‌غربی‌نیست‌و‌نقشه‌ها‌به‌دست‌گلادیاتورها‌ترسیم‌می‌شود.این‌یعنی‌هیچ‌لشگری‌قصد‌ندارد‌خاطرات‌رنگ‌باخته‌خود‌را‌در‌کویر‌دفن‌کند‌و‌دست‌از‌پا‌درازتر‌به‌دینی‌خانه‌اش‌بر‌گردد.‌آنجا‌همه‌و‌همه‌جامه‌مدعی‌به‌تن‌کرده‌اند.حتی‌مورچه‌های‌تر‌کمستان‌که‌نود‌دقیقه‌در‌چهارشنبه‌شرج‌زده‌خواب‌را‌از‌چشمان‌سورمه‌ای‌های‌سرزمین‌آفتاب‌تابان‌دریغ‌کردند‌و‌برای‌مرهن‌سنگ‌تمام‌گذاشتند!

نمایش دل‌برای دل‌آل نهبان!

دیروز تیم‌داوری‌ایران‌در‌آل‌نهبان‌نمایش‌بی‌نقصی‌از‌خود‌ارائه‌داد‌و‌در‌ورزشگاهی‌که‌پر‌از‌خالی‌بود‌آب‌از‌آب‌تکان‌نخورد‌و‌عشق‌آبادی‌ها‌با‌جان‌و‌دل‌به‌سوت‌های‌محتوم‌دل‌باختند.‌علیرضا‌فغانی‌پس‌از‌هنرنمایی‌در‌فراسوی‌سبیری،‌حالا‌اوازه‌های‌ناب‌ماسپه‌در‌گلو‌را‌به‌سوت‌هایش‌الصالق‌می‌کند‌و‌باصلاحت‌تر‌از‌هر‌وقت‌دیگر‌به‌پیمانه‌کردن‌عداالت‌در‌سبزی‌چمن‌می‌پردازد.جنتلمن‌داوری‌ایران‌می‌تواند‌پای‌ثابت‌فیثال‌باشد.اگر‌زمانمان‌هزار

برفرض‌ایمن‌مجلس‌زبان‌مل‌ناکارآمد‌و‌بی‌خاصیت‌باشد،‌فراکسیون‌های‌نتبل‌کم‌بو‌خاصیت‌هم‌داشته‌باشد،‌نماینده‌ناسزاگو‌داشته‌باشد،‌نماینده‌لابی‌باز‌داشته‌باشد،‌نماینده‌مصلحت‌گرا‌داشته‌باشد،‌رضایت‌موکلان‌خود‌را‌به‌همراه‌نداشته‌باشد‌دلیل‌براینکه‌بگویند‌شرم‌بر‌این‌مجلس‌باد‌نمی‌شود،‌نهن‌جون‌من‌هر‌وقت‌از‌کسی‌مسی‌انتقاد‌به‌آن‌دلخور‌بود‌که‌دلش‌نمی‌خواست‌تستقیم‌توهین‌کنه‌می‌گفت‌خاک‌به‌سرم‌که‌بچه‌ای‌مثل‌تو‌دارم‌!اینجناب‌هم‌می‌توانستند‌به‌سبک‌ننه‌چونم‌بر‌سر‌می‌کوفتند‌و‌دور‌از‌جان‌می‌گفتند؛‌خاک‌بر‌سرم‌با‌این‌مثلا‌فلان‌سینما‌و‌فرهنگ‌کشور‌امید‌داشت،‌چه‌بسا‌منوع‌تصویری‌را‌کلید‌نمی‌زدند!

مرتبه لال، یوزها قبل رسیدن به ایستگاه آخر در بروهتی خاکستری تسلیم شوند!

شمایی در باد!

اما امروز سه جدال تب آلود اجناسی جام ملت‌ها را گرم‌تر از روزهای پیشین خواهد کرد.پسران منامه پس از کشیدن ترمز ماشین میزبان، باید ربوری تایلندز؛خودرودبه‌ایستند.تایلندی‌که‌اگر‌مثل‌بازی‌با‌هند‌ظاهر‌شود،‌همین‌امشب‌چمنان‌هایش‌را‌خواهد‌بست.‌سربازان‌پیروز‌آردن‌پس‌از‌ذبح‌کلتگورها‌حالا‌به‌ملاقات‌همسایه‌خود‌می‌آیند‌و‌با‌سوزی‌های‌جام‌در‌مچ‌می‌اندازند.شاید‌یک‌مسالوی‌هم‌زیر‌بر‌گه‌صعود‌آردنی‌ها‌را‌امضا‌کند‌تا‌بسلاط‌عییش‌و‌طرب‌در‌خیابان‌های‌شلوغ‌امان‌پهن‌شود.

 <p>از موج‌ها نترس و به چیزهای خوب فکر کن!</p>
 <p>برای هکتور کوپر از تیل تا جاده ابریشم راهی نیست!</p>
 <p>فصلوات‌قاضی‌جنتلمن‌در‌هوای‌یا‌طعم‌قهوه!</p>

دختران کره‌ای در قاب عکس آمده از آن سوی آب

 <p>فصلوات‌قاضی‌جنتلمن‌در‌هوای‌یا‌طعم‌قهوه!</p>

... ادامه دارد

